

Threatening Components of the National Security of the Islamic Republic of Iran in Relation to the Kurdistan Region of Iraq

Reza Jahangiri <sup>1</sup>

Received: 29 January 2025

Mahnaz Goodarzi <sup>2</sup>

Reception: 25 Marchy 2025

Masoud Jafarinejad<sup>3</sup>

**Abstract:**

The Iraqi Kurdistan region is one of the regions of geopolitical and geostrategic importance. The security situation of the Islamic Republic of Iran was also largely affected by the security threats and challenges of the Iraqi Kurdistan region and the movements of hostile groups, extremist movements and groups, and foreign intelligence and espionage services in these regions and regional and trans-regional powers. This article answers the question of what are the components that threaten the national security of the Islamic Republic of Iran in relation to the Iraqi Kurdistan region? Using the theory of deterrence, the authors concluded that in the political dimension, the threats to the national security of the Islamic Republic of Iran included Kurdish nationalism, federalism, American and Israeli influence in Iraqi Kurdistan, acceptance of Iranian Kurdish counter-revolutionary parties, and Israeli intelligence and security activities. In the military dimension, the establishment of listening posts along the Iranian border areas and the sending of military equipment to Iraqi Kurdistan; in the socio-cultural dimension, the strengthening of Kurdish identity and demands, the threat to ethnic unity and cohesion, comparative mentality, media threats, and the promotion of Kurdish language and culture; and in the economic dimension, Israeli commercial activities, the formation of a sense of economic discrimination, and the spread of smuggling have been the basis for threats to the national security of the Islamic Republic of Iran.

Keywords:

Typology, Threat, Iraqi Kurdistan Region, Identity

---

<sup>1</sup>PhD Student, Department of International Relations, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran


<sup>2</sup>Associate Professor, Department of International Relations, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran (Corresponding Author)

<sup>3</sup>Associate Professor, Department of Political Science, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran



<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.493875.1166>

## مولفه‌های تهدیدساز امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با اقلیم کردستان عراق

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰

رضا جهانگیری 

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۰۵

مهناز گودرزی مسعود جعفری نژاد 

### چکیده

منطقه کردستان عراق از جمله مناطق دارای اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی است که به واسطه اشتراکات قومی، فرهنگی، مذهبی و تاریخی با کردهای سایر کشورها از جمله ایران به عنوان تهدیدی بالقوه برای این کشور تلقی می‌گردد. وضعیت امنیتی جمهوری اسلامی ایران نیز تا حدود زیادی از تهدیدات و چالش‌های امنیتی اقلیم کردستان عراق و تحرکات گروه‌های معاند، جریان‌ات و گروه‌های افراطی و سرویس‌های اطلاعاتی و جاسوسی بیگانه در این مناطق و قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تأثیر پذیرفت. در این مقاله به این سوال پاسخ داده می‌شود که مولفه‌های تهدیدساز امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با اقلیم کردستان عراق کدام است؟ نویسندگان با استفاده از نظریه بازدارندگی به این نتیجه رسیدند که در طی سالهای اخیر و به خصوص پس از فروپاشی حکومت بعث، دامنه تهدیدات اقلیم کردستان علیه جمهوری اسلامی ایران گسترده شد. در بعد سیاسی تهدیدات امنیتی ملی جمهوری اسلامی ایران شامل ملی‌گرایی کردها، فدرالیسم، نفوذ آمریکا و اسرائیل در کردستان عراق، پذیرش احزاب ضد انقلاب کرد ایرانی و فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل بود. در بعد نظامی، ایجاد پایگاههای شنود در کنار مناطق مرزی ایران و ارسال تجهیزات جنگی به کردستان عراق، در بعد فرهنگی-اجتماعی، تقویت هویت و مطالبات کردی، تهدید یکپارچگی و انسجام قومیتی، ذهنیت مقایسه‌ای، تهدیدات رسانه‌ای و ترویج زبان و فرهنگ کردی، در بعد اقتصادی نیز فعالیتهای تجاری اسرائیل و شکل‌گیری احساس تبعیض اقتصادی و گسترش قاچاق زمینه.

۱ دانشجوی دکتری گروه روابط بین‌الملل، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران  
 ۲ دانشیار گروه روابط بین‌الملل، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

۳ دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

بازدارندگی در دوران مدرن پس از وستفاليا بازدارندگی بیشتر در شکل سیستم موازنه قدرت بین کشورهای اروپایی به خصوص در کنسرت اروپا تجسم یافت. بعد از شکست کنسرت اروپا و گسترش تفکرات لیبرالیستی - ایده آلیستی<sup>۱</sup>، سیستم امنیت دسته جمعی بر پایه حقوق بین الملل به پیدایش جامعه ملل منتهی گردید، اما این سیستم مدیریتی نیز نتوانست مانع جنگ جهانی دوم شود و در نتیجه موازنه قدرت نیز بعد از جنگ جهانی دوم جای خود را به سازمان ملل متحد داد که بر همان اساس ولی با الزامات حقوقی و امنیتی قوی تری تشکیل شده بود.

سیستم بازدارندگی از دو بنیان تئوریک مهم یعنی تئوریهای ساختاری و بازیگر خردمند برخوردار است بر این اساس اگر قدرت متمرکز شود منجر به ثبات و شکسته شدن قدرت موجب بی ثباتی سیستمی می شود. استراتژی بازدارندگی برای جنگیدن بکار نمی رود بلکه به منظور حفظ صلح استفاده می شود به عبارت بهتر از لحاظ فیزیکی طرف مقابل را دفع نمی کند بلکه از لحاظ روانی مانع از تجاوز وی می گردد (رحیمی روشن، ۱۴۰۱: ۵).

بنیاد بازدارندگی بر اساس دو فرآیند تهدید به مجازات و یا ممانعت می باشد؛ هدف از بازدارندگی به وسیلهی تهدید به مجازات، القای این مطلب به طرف مقابل است که، هزینهی حرکت خاص او از سودی که کسب خواهد کرد بیشتر است؛ در این نوع بازدارندگی از تهدید وسیع یا ویژهی ارزشهای یک دولت به وسیلهی نیروی نظامی استفاده می شود. در تهدید وسیع، با توجه به ماهیت بازدارندگی که از مشخص نکردن جزئیات یک سیاست و به تبع انعطاف و کارایی حاصل از آن سود می برد، از مفهومی به نام «ابهام استراتژیک» استفاده می شود؛ یعنی دولت خاصی در عین نپذیرفتن شکست، از انجام مجموعه ای از فعالیت ها علیه دیگری خودداری کند. در تهدید ویژه با تهدید نمودن ارزشهای طرف مقابل از قبیل توانایی نظامی و مردم، وی متقاعد می شود که اگر اقدام نماید آنها مورد حمله قرار می گیرند. تهدید نیروها نیز زمانی بکار گرفته می شود که طرف مقابل به علت انجام اقدام نظامی به آنان سخت نیازمند باشد. البته چون برای رهبران و دولتمردان ارزشهای متفاوتی مهم می باشد، از این رو پاسخ آنها به تهدیدات نیز یکسان نیست؛ در بازدارندگی بر مبنای ممانعت نیز از گونهی تهدید متفاوتی استفاده می گردد و بازیگر تلاش می کند این برداشت را برای طرف مقابل ایجاد کند که در صورت زدن به فعالیت نظامی از دستیابی به هدفهای نظامی وی جلوگیری خواهد کرد. البته هر دو نوع

<sup>1</sup> Liberal-Idealist

بازدارندگی را می‌توان همزمان استفاده کرد ولی سیاست تهدید به مجازات از کارایی بیشتری برخوردار است. (بیلیس و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۲۰-۲۱۸)

نظریه پردازان بازدارندگی به لحاظ برداشتها و تحولات مختلف به سر و سامان دادن به نظریه بازدارندگی پرداختند این تحولات و برداشتها عبارت بودند از اول جنگ کره دوم آگاهی از اینکه هر دو قورت به زودی دارای زرادخانه‌های هسته‌ای قابل توجهی می‌شوند و سوم اینکه کشورهای غربی از لحاظ برابری نظامی با کشورهای کمونیستی ضعیف اند (حبیب الهی، ۱۳۸۳: ۵۲).

### ۳- تهدیدات سیاسی - امنیتی اقلیم کردستان عراق علیه جمهوری اسلامی ایران

۱-۳- ملی‌گرایی ۱ کردها و تهدیدات آن علیه جمهوری اسلامی ایران

تقویت ملی‌گرایی در کردستان عراق زمینه ساز شکل‌گیری تهدیدات جدی برای جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. شواهد و قرائن موجود گویای آن است که در آینده متغیرهایی از قبیل حمایت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای؛ به خصوص اسرائیل، از استقلال کردستان در کنار مرزهای غربی ایران و کردهایی که قرابت‌های فرهنگی، مذهبی و هویتی با آن سوی مرزها دارند، بر روند واگرایی<sup>۲</sup> کردهای ایرانی و مرکزیت‌گریزی<sup>۳</sup> آن‌ها تأثیرات خود را داشته باشد؛ زیرا این کشورها سالهاست با تمام امکانات خود در این منطقه در فکر به چالش کشیدن امنیت ملی<sup>۴</sup> جمهوری اسلامی ایران هستند. بدترین و نامطلوب‌ترین سناریوی ممکن برای کشورهای دارای جمعیت کرد، استقلال کردستان عراق است؛ زیرا هم کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از این سناریو حمایت می‌کنند و هم وضعیت نابسامان عراق به گونه‌ای است که احتمال این استقلال را بیشتر می‌کند.

از منظر جمهوری اسلامی ایران، شکل‌گیری دولت کردی در عراق از ابعاد مختلف به عنوان تهدیدی برای امنیت ملی ایران محسوب می‌شود. اثرگذاری خودمختاری و استقلال کردی در عراق بر کردهای ایران به عنوان تهدیدی نرم، یکی از نگرانی‌های تهران محسوب می‌شود. تجزیه عراق در نتیجه استقلال کردی و گسترش بی‌ثباتی در مرزهای غربی ایران و همچنین تضعیف عراق به عنوان متحد نزدیک تهران در منطقه، از دیگر دلایل مخالفت ایران با استقلال کردی است. بر این اساس است که ایران به یکی از بازیگرانی تبدیل شده که

<sup>1</sup> Nationalism

<sup>2</sup> Divergence

<sup>3</sup> Decentralization

<sup>4</sup> National Security

نقشی کلیدی را در ممانعت از پیشرفت روند استقلال کردی در عراق داشته است. (اسدی، ۱۳۹۹: ۱۶۸-۱۶۷).

### ۲-۳- تهدیدات ناشی از فدرالیسم علیه جمهوری اسلامی ایران

پس از تصویب فدرالیسم عراقی شهرهای مناطق کردنشین ایران از امتیازات سیاسی که اقلیم کردستان عراق به دست آورده‌اند، به عنوان یک پیروزی بزرگ برای قوم کرد یاد کرده که باید مورد پی‌گیری کردهای مناطق کردنشین ایران قرار گیرد. آنان در هم‌نوایی با اقلیم کردستان عراق شروع به راهپیمایی کرده، شعارهایی با مضامین مطالبات قومی سر داده و خواهان شرایطی مشابه این اقلیم برای مناطق کردنشین ایران شدند. به عنوان نمونه «راهپیمایی مردم سنندج به درگیری با مأموران دولتی تبدیل شد. آنان با تجمع در مراکز اصلی شهر، تعداد زیادی از اماکن دولتی و عمومی از جمله مساجد شیعیان و ناحیه مقاومت بسیج را آتش زده و تخریب کردند. مردم مریوان نیز در یکی از میادین اصلی شهر به رقص و پایکوبی پرداخته و با سر دادن شعارهایی در حمایت از کومله، دموکرات و پژاک، تندیس شهید حسین فهمیده را پایین کشیدند. کردها در شهرهای بانه و سقز هم راهپیمایی کرده و با سر دادن شعارهایی علیه جمهوری اسلامی، با مأموران امنیتی درگیر شدند (حیدری و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۶۹-۱۶۸).

مهم‌ترین بازتاب و تأثیر فدرالیسم عراقی بر بحران قومیت<sup>۱</sup> در مناطق کردنشین ایران موارد زیر می‌باشد که موجب تضعیف انسجام ملی<sup>۲</sup> کردهای این مناطق شده است: (۱) «ایجاد فضای امن برای فعالیت گروه‌های تجزیه‌طلب کردی<sup>۳</sup>، الگوسازی فدرالیسم عراقی از سوی آنان و افزایش تهدیدهای قومی<sup>۴</sup> در مناطق کردنشین ایران» (۲) «ایجاد فضای رسانه‌ای از سوی اقلیم کردستان عراق با هدف تأثیر بر بحران<sup>۵</sup> قومیت در مناطق کردنشین ایران، افزایش مطالبات قومی، سیاسی و فرهنگی از سوی اقوام کرد و غیرکرد ایران (حیدری و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۶۹).

از سوی دیگر، فدرالیسم زمینه ساز فراهم کردن زمینه‌های روانی الگوسازی فدرالیسم و تأثیر ایدئولوژیک آن بر اذهان کردهای این مناطق مشابه آنچه که در اقلیم کردستان عراق تحت عنوان خودمختاری رخ داده است، می‌باشد. هرچه گروه‌های عراقی در دولت مرکزی از نقش برجسته تری برخوردار گردند، در مقابل نیز مناطق کردنشین ایران این توقع را از دولت جمهوری اسلامی دارند که مشابه آنچه در نتیجه فدرالیسم عراقی برای کردهای عراقی فراهم گردیده، برای آنان هم مهیا گردد. موضوع دیگری که می‌تواند تأثیرگذاری فدرالیسم

<sup>1</sup> Ethnicity

<sup>2</sup> National cohesion

<sup>3</sup> Kurdish separatist groups

<sup>4</sup> Ethnic threats

<sup>5</sup> Crisis

عراقی را اذهان مناطق کردنشین ایران برجسته‌تر نماید، گروه‌های تجزیه‌طلب کومله، دموکرات و پژاک است که با مقایسه اوضاع کردهای عراقی در قبل و بعد از خودمختاری در تولید نارضایتی کردها از جمهوری اسلامی و ناامن‌سازی اوضاع داخلی این مناطق نقش اساسی دارند (حیدری و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۶۸).

### ۳-۳- نفوذ اسرائیل در کردستان عراق و تهدیدات آن علیه جمهوری اسلامی ایران

حضور اسرائیل در کردستان عراق همواره توأم با بسترها و زمینه‌هایی بوده که نزدیکی کردها و اسرائیل را تسهیل نموده و برقراری روابط و نفوذ اسرائیل در اقلیم کردستان را هموار کرده است. از جمله این زمینه‌ها عبارتند از: ۱- پیشینه تاریخی حضور اقلیت یهودی در عراق که باعث می‌شود اسرائیل همواره نسبت به این منطقه چشم طمع داشته باشد. ۲- اختلافات داخلی کردها ۳- گرایشات سکولاریستی<sup>۱</sup> و قوم‌گرایانه رهبران کرد ۴- دشمنی مشترک کردها و اسرائیل با اعراب ۵- آرزوی دیرینه کردها برای کسب استقلال سیاسی و تشکیل دولت فراگیر کردی و نیاز آن‌ها به وجود حامیان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای. (اخوان کاظمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۶).

با توجه به پراکندگی کردها در چهار کشور خاورمیانه، تقویت آنان در منطقه و گسترش فعالیت‌های جدایی‌طلبانه و استقلال‌خواهانه آنان، سبب ایجاد بحران در امنیت ملی این کشورها و درگیر شدن آنان به مسائل داخلی می‌شود و فضای بازی این کشورها در نظام منطقه‌ای را محدود می‌کند. این مسئله عملاً سبب تضعیف ایران، سوریه و عراق که دشمنان منطقه‌ای اسرائیل هستند، می‌شود و کاهش مبارزه آنان با اسرائیل در منطقه، در پرتو ضرورت توجه به مسئله امنیت ملی این کشورها در قبال اقلیت کرد را به دنبال دارد. به عبارت دیگر، اسرائیل تلاش می‌کند تا با بحران‌سازی<sup>۲</sup> در منطقه، مدیریت بحران<sup>۳</sup> در خاورمیانه را به دست آورد. از سوی دیگر، ارتباط اسرائیل با کردها اهرم فشار مناسبی را برای تحدید سیاست‌های این دولت‌ها در خاورمیانه در اختیار اسرائیل می‌گذارد (موسوی‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۱۲).

اتحاد اسرائیل با کردها زمینه نفوذ بیشتر آن در منطقه را به وجود می‌آورد. این نفوذ که به شکل‌های مختلف مانند نفوذ سیاسی، اقتصادی، امنیتی است، از طریق حضور مستقیم نیروهای سیاسی- نظامی و امنیتی اسرائیل در کردستان، جاسوسی آنان علیه سوریه، عراق، ترکیه و به ویژه ایران و با استقرار دستگاه‌های جاسوسی در مرزهای کردستان بزرگ، نفوذ در سیستم اقتصادی منطقه با مشارکت در پروژه‌های اقتصادی کردستان تحقق می‌یابد. به عبارت دیگر،

<sup>1</sup> Secularist tendencies

<sup>2</sup> Crisis creation

<sup>3</sup> Crisis management

اسرائیل با نزدیک شدن به کردها، در ایران، عراق، سوریه و ترکیه برای خود چشم و گوش به دست می‌آورد. از سوی دیگر، اسرائیل تلاش می‌کند تا با یافتن نقطه اتکایی در کردستان عراق، از وابستگی مطلق به ترکیه برای گسترش عمق استراتژیک خود در شمال خاورمیانه بکاهد.

جمهوری اسلامی ایران ۱۳۳۶ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق دارد که حدود ۵۰۰ کیلومتر آن متعلق به مناطق کردنشین است. با تشکیل اقلیم کردستان عراق، روابط ایران با آن‌ها عموماً حسنه بوده است. هرچند با برگزاری همه‌پرسی استقلال در سال ۲۰۱۷، این روابط دچار تنش<sup>۱</sup> شده و سطح مناسبات را کاهش داده است. با این وجود، همواره تحولات کردستان عراق برای ایران مهم بوده و باعث ایجاد نگرانی‌هایی شده است (منصوری حمل‌آبادی، ۱۳۷۶: ۲۳).

#### ۴-۳ نفوذ آمریکا در کردستان عراق و تهدیدات آن علیه جمهوری اسلامی

##### ایران

آمریکایی‌ها همواره با داشتن نیروهایی در مرزهای مشترک، زمینه‌ساز تهدیدهای امنیتی در مرزهای ایران بوده‌اند. ایران از نگاه آمریکا بزرگترین تهدید امنیت ملی پیش روی این کشور و پیروزی ایران در عراق نیز به منزله‌ی افزایش قدرت منطقه‌ای ایران می‌باشد. استقلال‌خواهی اقلیم کردستان عراق اگرچه به لحاظ ذهنی و عاطفی تأثیراتی بر کردهای ایران داشته و ناسیونالیسم کردی را در مناطق کردنشین ایران تقویت نموده، اما حضور آمریکا در این اقلیم حتی در سطوح متوسط و یا ضعیف هم مرزهای غربی کشور و تمامیت ارضی این مناطق را با تهدیدهای اساسی مواجه می‌کند. «دولت آمریکا با حمایت کردها، زمینه‌ی سقوط صدام را فراهم کرد و دست آنان را بیش از سایر گروه‌ها در بازیهای داخلی و منطقه‌ای باز گذاشته و آنها نیز با استفاده از موقعیت و فرصت فراهم آمده، حوزه‌ی نفوذ خود را افزایش داده‌اند». هدف آمریکا از دخالت در مسئله‌ی کردها، پیشبرد منافع استراتژیک خود در منطقه و در راستای منافع اسرائیل می‌باشد.

گروه‌های تجزیه‌طلب کومله، دموکرات و پژاک در تحلیل‌های خود با اقتباس از وضعیت کردهای عراق، نسخه‌ی فدرالیسم را برای ایران به عنوان گزینه‌ای مناسب معرفی و تبلیغ نمودند. در واقع تأسیس خودمختاری سبب گردیده تا مشروعیت دولت‌های دارای گروه‌های قومی و مذهبی زیر سؤال برود و این اقلیم توانسته است اقداماتی را فراتر از مرزهای رسمی انجام بدهد و با برخورداری از منابع اقتصادی و اجتماعی، توجه قدرتهای خارجی را به خود جلب کند. به نظر می‌آید چنین اقدامهایی اگرچه در کوتاه مدت باعث سرنگونی دولت‌ها نمی‌شود، اما می‌تواند به مرور تغییرات قابل توجهی در سیاستهای

<sup>۱</sup>Tension

داخلی به وجود آورد و این کشورها را دگرگون و با بحران قومی مواجه کند. در واقع «استقلال‌خواهی این اقلیم تحت نظر آمریکا به عنوان یک قدرت جهانی رقیب ایران هدایت می‌شود و اقلیم کردستان عراق نیز با رویکرد تجزیه‌طلبی و استقلال‌خواهی توانسته محیطی را فراهم کند که فی‌نفسه برای تمامیت ارضی مناطق کردنشین ایران خطرآفرین باشد.

### ۳-۵ پذیرش احزاب ضد انقلاب کرد ایرانی توسط اقلیم کردستان عراق و

#### تهدیدات آن علیه جمهوری اسلامی ایران

کلیه احزاب و گروه‌های مخالف کرد ایرانی در قلمرو حکومت ناحیه‌ای کردستان عراق مستقر شده‌اند. آنها آزادانه به فعالیت سیاسی و به ویژه رسانه‌ای علیه نظام جمهوری اسلامی ایران می‌پردازند. برخی از این گروه‌ها از جمله «پژاک» به اقدامات مسلحانه علیه ایران نیز دست می‌زنند. دولت ناحیه‌ای کردستان عراق اگرچه روابط خود را با ایران، ترکیه و سوریه حفظ کرده است، اما نحوه تعامل آن با مخالفین کرد این سه کشور به گونه‌ای است که آنها با حمایت مادی و معنوی شخصیت‌های کرد عراقی به فعالیت خود ادامه می‌دهند (کوچرا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳: ۲۶۰-۲۴۷).

اپوزیسیون کردی ایران که مقیم اقلیم می‌باشد، به خاطر دسترسی به هزاران کرد فارس‌زبان و غیرشیعه، جدیدترین و جدی‌ترین اطلاعات ایران را در دسترس دارد. از حدود سال ۱۳۹۷ که شاخه‌هایی از این اپوزیسیون رفتار نظامی و خشونت‌بار را اختیار کرده‌اند، این موضوع اهمیت امنیتی شایان وصفی یافته است. (نصری و رضایی، ۱۳۹۸: ۱۸۸).

مطالبات گروه‌های تجزیه‌طلب کردی در مناطق کردنشین ایران علاوه بر تأثیرپذیری از ایده‌ی استقلال‌خواهی اقلیم کردستان عراق که باعث تقویت هویت کردی<sup>۲</sup> در منطقه شده، به دلیل کاهش جدی اقتدار حکومت مرکزی عراق و متأثر از اقدام‌های تحریک‌آمیز اسرائیل و آمریکا هم بوده و زمینه را برای سوءاستفاده گروه‌های تجزیه‌طلب کردی از موقعیت سیاسی و جغرافیایی اقلیم کردستان عراق فراهم کرده است. «اسناد لانه جاسوسی آمریکا در سال ۱۳۵۸ افشا نمود که اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها امیدوار بودند اگر کردها و سایر گروه‌های قومی در راستای اهداف مشترک با همدیگر متحد شوند، می‌توانند جمهوری اسلامی را سرنگون سازند. آنان پس از انقلاب اسلامی مداوم به دنبال تحریک اقوام ایرانی به ویژه کردها برای فشار بر جمهوری اسلامی بوده‌اند. آمریکا برای رسیدن به چنین هدفی از احساسات ناسیونالیسم کردی، اختلافات مذهبی، فقر فرهنگی، اقتصادی و نقاط ضعف شخصیت‌های وابسته سوءاستفاده

<sup>1</sup> Kuchera

<sup>2</sup> Kurdish identity

کرده و با کمک‌های نظامی و مالی درصدد بوده تا کشور ایران را تجزیه کند. بنابراین در راستای عملیاتی کردن طرح تجزیه‌ی ایران در همان ماه‌های نخست پیروزی انقلاب از طریق پیمان ناتو به حزب دموکرات کردستان ایران کمک مالی نمود» (حیدری و دیگران، ۱۳۹۹: ۹۸-۹۷۷).

### ۳-۶ فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل و تهدیدات آن علیه جمهوری اسلامی ایران

موقعیت استراتژیک منطقه کردستان به دلیل همسایگی با ایران، سوریه و ترکیه این امکان را در اختیار موساد قرار داده است که با حضور در این منطقه و ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی در شمال عراق فعالیت‌های ایران، سوریه و جنوب ترکیه را کنترل نماید. (اخوان کاظمی و عزیزی، ۱۳۹۰: ۱۴۹). بسیاری از نخبگان نظامی اسرائیل در پوشش بازرگان و کارمندان شرکت‌های خصوصی اسرائیل در شمال عراق مشغول فعالیت هستند. از جمله اقدامات آنها، راه‌اندازی سیستم هشداردهنده جاسوسی و اطلاعاتی در مرز مشترک ایران و آذربایجان در آسیای میانه و تکامل آن با راه‌اندازی سیستم جاسوسی افقی، در مرز ایران و کردستان است (رضوی، ۱۳۸۷: ۱۱۹).

برخی تحلیلگران سیاسی معتقدند یکی از اهداف امنیتی اسرائیل در شمال عراق، ایجاد اهرم بازدارنده در مقابل ایران است زیرا به زعم اسرائیلی‌ها، جمهوری اسلامی ایران همواره از حزب... لبنان به عنوان اهرم فشار علیه اسرائیل استفاده کرده است. اسرائیل تاکنون از داشتن چنین موقعیتی در مرزهای ایران محروم بوده، ولی با اعزام مأموران اطلاعاتی تحت پوشش تاجر و بازرگان به شمال عراق و منطقه کردستان، درصدد است با تشکیل گروه‌هایی شبه‌نظامی از میان اکراد، اهرم فشاری همانند حزب... در این منطقه علیه ایران ایجاد کند. (خسروی و میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۲۵۹). بخشی از اقدامات موساد در شمال عراق، آموزش پیشمرگه‌های کرد است. سیمور هرش در این خصوص می‌نویسد: «عوامل اطلاعاتی و نظامی اسرائیل اکنون به آرامی در کردستان مشغول فعالیت‌اند و واحدهای کماندویی کرد را برای انجام عملیات‌های مخفی در داخل مناطق کردنشین ایران و سوریه آموزش می‌دهند. اسرائیل به طور خاص از ناحیه ایران احساس خطر می‌کند، عوامل اسرائیل از جمله اعضای موساد تحت پوشش بازرگان به طور مخفی در کردستان فعالیت می‌کنند و بعضی از آنها حتی پاسپورت اسرائیلی هم ندارند.» (هرش، ۱۳۸۳: ۱۲۸).

اقدامات اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل در مرزهای داخلی، به خصوص در کردستان از شعاع گسترده‌ای برخوردار است و در عین حال، بی‌نهایت سری است تا حساسیت ایجاد نکند. به رغم این پنهان‌کاری‌ها، برخی اوقات مشاهده شده است عوامل اطلاعاتی موساد هدف نیروهای مقاومت عراقی قرار گرفته‌اند.

برای مثال، حمله این نیروها به مقر موساد در اربیل عراق و انهدام چهار خودروی حامل عوامل موساد در جاده موصل و کشته شدن نه نفر از افسران موساد در خیابان المطار در کوی العامل شهر بغداد در شهریور ۱۳۸۳، همچنین ترور مدیر مقر شنود اسرائیل در شهر اربیل و دو نفر از همراهان وی در دی ماه همان سال ضربات مؤثری به نیروهای جاسوسی موساد در عراق وارد ساخت. به دنبال حوادث مذکور، رئیس موساد در شمال عراق و نزدیک به نود نفر از همراهان وی به علت اشتباه‌های مکرر و فاش شدن هویتشان در اواخر همین سال تغییر کردند.

#### ۴- تهدیدات نظامی اقلیم کردستان عراق علیه جمهوری اسلامی ایران

##### ۴-۱ ایجاد پایگاه‌های شنود در کنار مناطق مرزی ایران و تهدیدات آن علیه جمهوری اسلامی ایران

حضور اسرائیل در شمال عراق و نزدیک شدن به مرزهای ایران برای اسرائیل بسیار حائز اهمیت است. با رفت و آمد عوامل اسرائیل در کردستان عراق، پایگاه‌های جاسوسی اسرائیل در مجاورت مرزهای ایران برپا خواهد شد. به ویژه آنکه منطقه کردستان عراق و ایران، شرایط لازم را برای اجیر کردن عوامل محلی دارند. ایجاد پایگاه‌های شنود نزدیک مرزهای ایران، تمامی مراکز مخابراتی ایران را تا محدوده‌ای وسیع در دسترس عوامل جاسوسی اسرائیل قرار خواهد داد تا یک جبهه امنیتی و اطلاعاتی در غرب ایران ایجاد کند. در واقع حضور اسرائیل در عراق به عنوان تهدیدی جدی و چرخشی مهم در موازنه ژئوپلیتیکی ایران می‌باشد که امنیتی شدن سیاست خارجی ایران را در پی خواهد داشت (صادقی و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۲۲).

در حال حاضر، روابط امنیتی میان طرفین خطری جدی علیه امنیت ملی ایران محسوب می‌شود. اگر حضور امنیتی فعلی آن به شکلی مخفیانه و با پنهان‌کاری‌های متعدد از سوی رژیم و اقلیم است و لیکن با استقلال اقلیم کردستان می‌تواند به شکلی علنی و با تأسیس پایگاه‌های عیان‌تر و با قابلیت‌های عملیاتی بیشتر همراه باشد. با توجه به مخالفت‌های جدی ایران و ترکیه با استقلال اقلیم کردستان عراق و محدودیت ژئوپلیتیکی قابل اعمال توسط آنان، اقلیم نیز نیازمند به حضور امنیتی اسرائیل در خاک خود در واحدی بزرگتر خواهد بود و به طور طبیعی، اسرائیل نیز از حضور چشمگیر امنیتی در مرز با ایران استقبال خواهد نمود. ایجاد پایگاه‌های شنود در اقلیم کردستان یکی از مواردی است که اسرائیل از منظر امنیتی دنبال می‌کند. به علاوه، ایجاد بازدارندگی و بازتوزان‌سازی علیه جمهوری اسلامی ایران از طریق پایگاه‌سازی و عملیات‌های اطلاعاتی و امنیتی نیز، از دیگر اهداف اسرائیل در اقلیم کردستان عراق است. همچنین، موقعیت استراتژیک اقلیم کردستان عراق به دلیل

همجواری با ایران، این فرصت را برای موساد- سازمان اطلاعات و عملیات ویژه اسرائیل- فراهم کرده است تا با حضور در این منطقه و ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی در شمال عراق، فعالیتهای ایران را کنترل و پایش نماید(رجبی، ۱۳۹۹: ۷۹۲).

همین مجاورت اسرائیل در مرزهای غربی ایران و تهدیدهای نظامی، امنیتی و اطلاعاتی ناشی از آن بود که سبب شد تا در بحبوحه اصرار کردها مبنی بر انکار هر گونه فعالیت اطلاعاتی اسرائیل در این اقلیم، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اسفندماه سال ۱۴۰۰ شمسی حمله موشکی را به تأسیسات اسرائیل در شهر اربیل تدارک ببیند. علت اصلی این موشک‌باران، وجود مراکز اطلاعاتی و جاسوسی اسرائیل در اقلیم کردستان عراق بود. این اتفاق در حالی رخ داد که تا پیش از آن، تهران چندین مرتبه به رهبران اقلیم درباره تلاش رژیم برای نفوذ اطلاعاتی و تهدید امنیت ملی ایران هشدار داده بود. مراکز بمباران شده، مقر اسرائیل برای آموزش و ملاقات با گروه‌های مخالف ایران و برنامه‌ریزی برای حمله در داخل ایران بود. تهدید ایران از سوی اقلیم کردستان عراق تا جایی مهم بود که «سعید خطیب‌زاده»- سخنگوی دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی طی اظهارنظری اعلام کرد: این غیرقابل قبول است که یکی از همسایگان ما که روابط مستحکمی با آن داریم [...] به کانون تهدید علیه جمهوری اسلامی تبدیل شود (الزیدی، ۲۰۲۲: ۴۱).

## ۲-۴ ارسال تجهیزات جنگی به کردستان عراق

قدرتهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای با ارسال سلاح و تجهیزات جنگی به کردستان عراق زمینه ساز شکل‌گیری تهدیدات جدی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران شده‌اند. اسرائیل علاوه بر حضور مستقیم نظامی، در تلاش برای ایجاد ارتش مشترک کردی - یهودی، موافقت کرده است تا دولت کرد را به موشک‌هایی از نوع «استینگر» (موشک‌های زمین به هوا) مجهز کند. علاوه بر این تل‌آویو، بر طراحی و ساخت فرودگاه‌های نظامی و غیرنظامی و آموزش نیروهای کرد در شمال عراق نظارت دارد. از سوی دیگر، برخی شرکت‌های وابسته به اسرائیل مانند «شرکت توسعه کردستان عراق» - که با علامت اختصاری KODO شناخته می‌شود نیز در قراردادهای تسلیحاتی کردستان عراق و فروش سلاح به دولت عراق نقش دارند (موسوی زاده و جاودانی مقدم، ۱۳۸۸: ۲۰۸).

اسرائیل جهت اهداف اطلاعاتی و امنیتی خود در شمال عراق، به منظور فشار بر دولت مرکزی این کشور و همچنین اعمال فشار بر کشورهای همجوار کردستان از جمله ایران، بر پایه اصل «جنگ نیابتی»، به تربیت و تقویت پیش‌مرگ‌ها و دیگر شبه نظامیان کرد، به‌عنوان بازوی نظامی دولت اقلیم کردی اقدام نموده است. با برقراری روابط میان اسرائیل و کردهای عراق، محموله‌های

سلاح از سوی اسرائیل به کردستان عراق سرازیر شد. تحویل سلاح و مهمات، پس از جنگ ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل افزایش یافت. اینها سلاحهای روسی پیشرفته ای بودند که اسرائیل در این جنگها از ارتشهای عربی به غنیمت گرفته بود. در آن زمان، سلاحها و تجهیزات نظامی از طریق ایران نیز در اختیار کردها قرار می‌گرفت (روحی، ۱۳۸۹: ۷۸).

#### ۵- تهدیدات فرهنگی - اجتماعی اقلیم کردستان عراق علیه جمهوری

##### اسلامی ایران

#### ۱-۵ تقویت هویت و مطالبات کردی و تهدیدات آن علیه جمهوری

##### اسلامی ایران

در چند سال اخیر، حکومت اقلیم کردستان عراق به عنوان یک حکومت با بنیانهای ناسیونالیسم قومی که در آن هویت کردی به عنوان اصلی‌ترین و مهمترین عنصر ماهوی و علت وجودی تشکیل حکومت ناحیه‌ای کردستان عراق نقش اصلی را ایفا می‌کند، زمینه اعتلای بیش از پیش این مقوله مهم را فراهم کرده است؛ به طوری که توانسته تمایل‌های قوم‌گرایانه را در مناطق کردنشین کشورهای پیرامون خود بالاخص در ایران تحت تأثیر قرار دهد. این حکومت در راستای آرمان دیرینه کردها پدید آمده که لازمه قوام آن، گسترش هرچه بیشتر هویت کردی در مناطق کردنشین منطقه بوده که این تفکر، موجب مباحث هر کردی است و به نظر می‌رسد یکی از عوامل تقویت این مسئله، استفاده از نمادهایی از جمله پرچم حکومت اقلیم کردستان است که همان پرچم جمهوری مهاباد در سال ۱۹۴۵م است که به نماد ملی کردها مبدل شده است که این پرچم و نمادهای مشابه در مراسم گوناگون به نمایش گذاشته می‌شود (علویان و تبارسوته، ۱۳۹۹: ۲۰۴-۲۰۳).

در طول سال‌های گذشته یکی از مهم‌ترین مباحث رایج در عرصه سیاسی نواحی کردنشین ایران ارتقاء سطح حضور کردها در هرم قدرت سیاسی بوده است. ضرورت انتخاب استاندارد کرد، وزیر کرد و... در مبارزات انتخاباتی، تحلیل‌های مطبوعات محلی، نطق‌های نمایندگان کرد در مجلس شورای اسلامی و... نمود زیادی داشته است. جریان اصلاح طلب کرد، مطالبات فرموله شده‌ای را از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری ایران در دوره نهم (۱۳۸۴) مطرح کرد و رأی دادن به آنها را موکول به پذیرش آن نمود. در بین مطالبات مزبور بر آموزش رسمی زبان کردی، آزادی نشر مطبوعات کردی، رفع توسعه‌نیافتگی ناحیه‌ای و تبعیض اجتماعی، مشارکت سیاسی در سطح ناحیه‌ای و ملی تأکید شده است (هفته‌نامه سیروان، ۱۳۸۴، شماره ۳۲۶).

ارتقای سطح خواست‌های قومیتی در سطوح مختلف جامعه کردها در ایران را باید از دیگر تهدیدهای نرم فرهنگی حکومت اقلیم کردستان به شمار آورد و

به رغم عدم وجود تبعیض قومیتی در کشور، خواست‌هایی نظیر آزادی ترویج زبان و فرهنگ کردی، رفع تبعیض اقتصادی-اجتماعی و عمران منطقه‌ای، داشتن اختیارها و حق مشارکت فعال سیاسی و نظایر آن‌ها را باید از جمله درخواست‌های اکراد دانست که به طور عمومی تحت تأثیر تحولات سال‌های اخیر اقلیم کردستان روند فزونی داشته است. برای بیان افزایش مطالبات کردها از تحولات اخیر و تأثیر آن بر کردهای ایران نمی‌توان قشری خاص را مطرح کرد که به تنهایی از آن متأثر بوده باشد؛ چرا که واقعیت این است که تحولات سیاسی شمال عراق، اقشار مختلف کردهای ساکن در کشور ایران را تحت تأثیر قرار داده است. (علویان و تبارسوته، ۱۳۹۹: ۲۰۵-۲۰۴).

تشکیل حکومت ناحیه‌ای کردستان عراق موجب تقویت احساسات ملی‌گرایانه مردم کرد در کل منطقه شده است. این حکومت در راستای آرزوی دیرینه کردها پدید آمده و به ایجاد و تقویت تأسیسات و نهادهای مورد نیاز، آن هم به کردی می‌پردازد. به عبارتی هویت کردی را نیز توسعه می‌دهد که برای هر فرد کردی در جهان مایه مباهات می‌باشد. اندیشه ناسیونالیسم کردی نیز در بین کردهای منطقه تقویت گردیده است و کردستان عراق امروز به مرکز تبلیغ ترویج این اندیشه‌ها و سرایت آن به کشورهای همسایه تبدیل شده است. (پیشگاهی فرد و نصرالهی زاده، ۱۳۹۱: ۱۹۶).

## ۲-۵ تهدید یکپارچگی و انسجام قومیتی جمهوری اسلامی ایران

در طول دهه‌های گذشته و از ابتدای قرن بیستم در همه نواحی کردنشین منطقه، جریان‌های هویت‌گرای کردی فعال بوده، کمابیش بر یکدیگر تأثیر داشته‌اند؛ اما در چند سال اخیر، حکومت اقلیم کردستان عراق به عنوان یک حکومت با بنیان‌های ناسیونالیسم قومی که در آن هویت کردی به عنوان اصلی‌ترین و مهمترین عنصر ماهوی و علت وجودی تشکیل حکومت ناحیه‌ای کردستان عراق نقش اصلی را ایفا می‌کند، زمینه اعتلای بیش از پیش این مقوله مهم را فراهم کرده است؛ به طوری که توانسته تمایل‌های قوم‌گرایانه را در مناطق کردنشین کشورهای پیرامون خود تحت تأثیر قرار دهد؛ این حکومت در راستای آرمان دیرینه کردها پدید آمده است که لازمه قوام آن، گسترش هرچه بیشتر هویت کردی در مناطق کردنشین منطقه بوده که به نظر می‌رسد یکی از عوامل تقویت این مسأله، استفاده از نمادهایی از جمله پرچم حکومت اقلیم کردستان است که قبلاً پرچم جمهوری مهاباد در سال ۱۹۴۵م بوده است و رهبر آن (قاضی محمد) و دیگر همدستانش پس از دستگیری به جرم تجزیه‌طلبی و عاملیت بیگانه (روسیه) در مهاباد به دار آویخته شد که اکنون به نماد ملی کردهای کردستان مبدل گشته و همه ساله با برپایی جشنواره نکوداشتی با عنوان «پیشوا قاضی محمد» در همایش‌ها و جشنواره‌ها از او یاد شده و طی آن از

جمهوری کردستان و قاضی با عنوان دو ستاره درخشان ملت یاد می‌شود (انتظار، ۱۳۹۰: ۵۶).

رژیم اسرائیل با حمایت‌های مالی و معنوی خود از اقلیم کردستان عراق، علاوه بر اینکه سعی در هویت‌سازی بر پایه ناسیونالیسم کردی در شمال عراق دارد، تلاش می‌نماید این توانایی را در اختیار کرده‌های مقیم کشورهای ایران، ترکیه و سوریه نیز قرار دهد تا وضعیت خود را نسبت به آینده توجیه و حکومت اقلیم کردستان عراق را به عنوان یک الگوی الهام‌بخش پیش روی خود قرار دهند. این امر می‌تواند یکپارچگی و انسجام قومیتی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار دهد و بر دامنه تعارضات اجتماعی افزوده و مخالفان داخلی را با عوامل خارجی مرتبط نماید و در نهایت می‌تواند به ایجاد خلل در مشروعیت منجر گردیده و به تبع آن باعث تضعیف قدرت، امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران نیز گردد. (خاطرخواه آناقیز و پوستین چی، ۱۴۰۱: ۶۱).

### ۳-۵ شکل‌گیری ذهنیت مقایسه‌سازی میان کردهای ایران

در خصوص مطالبات سیاسی و فرهنگی کردهای ایران باید اشاره داشت که در این ارتباط دو دیدگاه وجود دارد که متفاوت از همدیگرند: در دیدگاه اول که متعلق به گروه‌های سیاسی مخالف نظام است محور اصلی اهداف آنها مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران و استقرار نظام لیبرالیستی در اداره مناطق کردنشین در قالب سیستم فدرالیسم می‌باشد و دیدگاه دوم مربوط به نخبگان سیاسی درون حکومت است که تلاش می‌نمایند با حضور و مشارکت در عرصه سیاسی و مدیریت کلان کشور در راستای قانون اساسی حرکت نموده و مطالبات خود را در قالب اصول اجرا نشده قانون اساسی پیگیری نمایند.

اعتقاد دیدگاه دوم بر این است که به دلیل چالش‌های قومی سال‌های گذشته یک نوع بدبینی و بی‌اعتمادی نسبت به کردها در حاکمیت به وجود آمده که تبعات آن در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی مشهود و ملموس است و جدا نشدن برخی از اصول قانون اساسی در مورد اقوام نیز ناشی از همین بی‌اعتمادی است. بنابراین گروه اول معتقدند که این بی‌اعتمادی ریشه در نگاه انحصارطلبانه حاکمیت داشته و بر این باورند که تنها راه تأمین حقوق اقوام تغییرات بنیادین در حاکمیت از راه‌های خشونت‌آمیز و نظامی می‌باشد و نمی‌توان به رفرم‌های حاکمیت دل خوش کرد. در مقابل نخبگان و فعالان سیاسی کرد در درون حاکمیت، اعتقاد دارند که دولت می‌تواند با تغییرات در نوع نگاه به مسئله اقوام و به خصوص کردها جو بی‌اعتمادی را از بین برده و کردها را به عنوان تهدید محسوب نکند، دولت می‌تواند با تغییر در نگرش به قومیت‌ها تهدیدات موجود را به فرصت تبدیل کند. (ساجدی و امجدیان، ۱۳۸۹: ۶۳).

کردهای ساکن در کشورهای ترکیه، عراق، سوریه و ایران همواره به مثابه «اقلیت ناامن» قلمداد شده‌اند. از بین چهار کشور مذکور، جمهوری اسلامی ایران با مسئله کردستان مشکلات کمتری داشته است چرا که کردها اساساً خود را آریایی و فارسی‌زبان می‌دانند و در تحقق راهبردهای ملی ایران، مشارکت جدی داشته‌اند. چنین وضعی قطعاً با شیوه برخورد دولت‌های مختلف ترکیه و عراق با کردها متفاوت است. لیکن ایران نیز پس از جنگ جهانی دوم تجربه‌های ناخوشایندی از مسئله کردستان در حافظه خود دارد و همواره از کنش‌های بیگانگان در مناطق کردنشین منطقه متأثر بوده است؛ حجم و عمق این تأثر ناشی از نیت متفاوت و بعضاً متعارضی است که قدرت‌های خارجی پیگیری می‌کنند. (نصری مشکینی، ۱۳۷۸: ۱۷۲).

از آنجا که پیدایش کشور مستقلی به نام «کردستان» با امنیت ملی و تمامیت ارضی چهار کشور مهم منطقه یعنی ایران، ترکیه، عراق و سوریه تباین دارد، هرگاه که دامنه عمل کردها گسترش یافته و عمق پیدا کرده است چهار کشور مذکور همگرایی راهبردی پیشه کرده‌اند که ناشی از پیچیدگی مسئله کردستان است. (رئوف، ۱۳۷۷: ۲۱۹)

#### ۴-۵ تهدیدات رسانه‌ای و ترویج زبان و فرهنگ کردی

تصویب قانون اساسی عراق، مطرح شدن زبان کردی به عنوان یکی از دو زبان رسمی، رسمیت یافتن فدرالیسم و برگزاری انتخابات محلی کردها در اغلب نشریات محلی و محافل عمومی مناطق کردنشین ایران و نزد نخبگان سیاسی بازتاب داشته و در مواردی منجر به تجمعات اعتراضی در شهرهای سنندج و مریوان گردید. شادمانی تعداد زیادی از کردهای این مناطق به مناسبت انتخاب جلال طالبانی به عنوان رئیس‌جمهور عراق و مسعود بارزانی به عنوان رئیس حکومت خودگردان اقلیم کردستان عراق نمونه‌ای از نقش‌پذیری عاطفی و روحی مناطق کردنشین ایران است. اقدامات فرهنگی این اقلیم در ترویج فرهنگ، تاریخ و زبان کردی و انتشار آن توسط رسانه‌ها موجب گسترش علاقه کردهای این مناطق به این اقلیم گردیده، محبوبیت آن را افزایش داده و از آن یک الگوی ایده آل و آرمانی در اذهان مناطق کردنشین ایران ساخته است.

اقلیم کردستان عراق در حوزه‌های رسانه و ارتباطات نیز تأثیر جدی بر مناطق کردنشین ایران داشته و ده‌ها کانال تلویزیونی، ماهواره‌ای و رادیویی، صداها نشریه و هزاران سایت اینترنتی فرصت‌های بزرگی را در جهت خدمت به ترویج فرهنگ و هویت کردی فراهم کرده و سهم اخبار مربوط به مناطق کردنشین ایران نیز در رسانه‌های این اقلیم به‌ویژه شبکه‌های ماهواره‌ای قابل توجه بوده و بر مخاطبان کردی تأثیرگذار بوده است. قلمرو توانمندی رسانه‌ای این اقلیم موجب اتصال تحولات مربوط به مناطق کردنشین ایران به نظام بین‌الملل

گردیده، به طوری که موجب آشنایی رسانه‌های بین‌المللی و سازمانهای غیردولتی با مسائل کردها گردیده است.

## ۶- تهدیدات اقتصادی اقلیم کردستان عراق علیه جمهوری اسلامی ایران

### ۶-۱ فعالیت‌های اقتصادی اسرائیل

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های حضور و فعالیت اسرائیل در منطقه کردستان عراق، از طریق فعال شدن عملیات سرمایه‌گذاری اقتصادی و حضور شرکت‌های اسرائیلی در این منطقه است. این مسئله با آغاز فعالیت شرکت‌های صهیونیستی در پوشش شرکت‌های تجاری و سازمان‌های غیردولتی ثبت شده در سایر کشورها تقویت شده است. گرایش اصلی این شرکت‌ها، فعالیت در حوزه امور زیربنایی، بازاریابی و معاملات تجاری است. در این راستا اسرائیل با راه‌اندازی برخی کارخانه‌های صنعتی در زیرساخت‌های صنعتی، کشاورزی و حمل‌ونقل عراق نیز فعال شده است. به‌گونه‌ای که ۱۵ شرکت اسرائیلی به‌شکل مستقیم یا غیرمستقیم در عراق فعالیت می‌کنند. در این زمینه شرکت دان در زمینه اتوبوس‌های قدیمی، رویتکس در زمینه تولید جلیقه‌های ضدگلوله، تومی در زمینه پاکسازی آب آشامیدنی، تیمور در زمینه تولید رنگ و چریدنت در زمینه تولیدات صنعتی قراردادهای ساخت تعمیرات را با دولت عراق امضا رسانده‌اند. علاوه بر این در این زمینه یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های اسرائیل در کردستان، پروژه مرکز بازرگانی اربیل است که با هزینه‌ای معادل ۵۰۰ میلیون دلار به‌اجرا گذاشته شده و برای این منظور حکومت محلی اداره اربیل نیز منازل و مغازه‌های مردم کرد را تخریب و به‌سرمایه‌داران اسرائیلی تحویل داده است. علاوه بر این اسرائیل با سرمایه‌گذاری و فعالیت در دو واحد بزرگ کارخانه مشروب‌سازی در مناطق تحت سلطه کردستان عراق، به‌ساخت انواع مشروبات الکلی مشغول بوده و با مواد اولیه و پشتیبانی مالی و تدارکاتی ترکیه و آلمان، محصولات کارخانه را به‌همراه اسلحه به‌مرزهای ایران نیز قاچاق می‌کند. (موسوی زاده و جاودانی مقدم، ۱۳۸۸: ۲۱۰-۲۰۹).

اسرائیل برای تثبیت موقعیت و حضور خود در شمال عراق، به بهانه پیشینه حضور یهودیان در این منطقه، و بازگرداندن ۹۰ هزار یهودی کرد ساکن اسرائیل به سرزمین اصلی شان عراق، اقدام به خرید املاک و زمین در این منطقه نموده است. دولت اسرائیل زمین‌های واقع در مناطق تحت سیطره بارزانی را خریداری می‌کند و پس از آموزش نظری و عملی این خانواده‌ها در اسرائیل، آنها را به شمال عراق می‌فرستد (اخوان کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۵۵). در این راستا، بانک قرض الحسنه‌ای با اعتبارات اسرائیلی، وام‌های کلانی را به کردها در منطقه برای خرید زمین‌های اعراب اختصاص داده است. علاوه بر این، شرکت‌های یهودی و اسرائیلی نیز به‌طور مستقیم، مساحت زیادی از اراضی عراق و اماکن حساس

آن به‌ویژه در اربیل یا در مناطق نزدیک مرزهای عراق با کشورهای همجوار از جمله در نزدیکی دجله و فرات را خریداری کرده‌اند. در این زمینه آنان حتی با پرداخت پنج برابر قیمت واقعی زمین، تلاش زیادی برای خریداری اراضی کرکوک دارند. اهمیت کرکوک از نظر آنان، علاوه بر نفت، جنبه معنوی و تاریخی این شهر و وجود مقام سه پیامبر در آن است که عملاً این شهر را به بیت المقدس دوم تبدیل کرده است (اخوان کاظمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۷).

همچنین، پس از اشغال عراق توسط آمریکا و تقویت موضع کردها در شمال عراق، حضور جلال طالبانی در پست ریاست جمهوری عراق، همچنین امتیازاتی که کردها از قانون اساسی این کشور به دست آوردند، شرایط برای حضور اقتصادی و تجاری اسرائیل در شمال عراق و منطقه کردستان به نحوی بهتر و مطمئن‌تر فراهم شد. شرکت‌های اسرائیلی با هماهنگی دولت اسرائیل و حمایت موساد یا حتی به طور مستقل در پی روابط قبلی با کردها، وارد منطقه شمال عراق شدند و تعدادی از آنها به طور مستقل قراردادهایی با دولت کردی در شمال عراق امضا کردند.

شرکت‌های اسرائیلی فعالیت‌های خود را به صورت کاملاً سری در عراق ادامه می‌دهند. این شرکت‌ها با اسم رمز "Z" در مناطق صحرایی شمال عراق مستقرند و تاکنون انواع مختلفی از کالاها و تجهیزات شامل موتورسیکلت، تراکتور، اسلحه‌ی خودکار کلاشینکف و جلیقه ضد گلوله به شمال عراق وارد کرده‌اند. علاوه بر این، کالاهایی چون رایانه، لوازم برقی و کشاورزی از راه ترکیه وارد شمال عراق می‌شود. اسرائیلی‌ها اکنون پروژه‌هایی در زمینه جاده‌سازی، پل‌سازی و کشاورزی در این مناطق در دست اجرا دارند. در حالی که مقامات کردی همواره حضور اسرائیل را در کردستان عراق تکذیب و خود را تابع سیاست‌های دولت مرکزی اعلام کرده‌اند. (موسسه مطالعاتی اندیشه سازان نور، ۱۳۸۷: ۶۹).

## ۲-۶ شکل‌گیری احساس تبعیض اقتصادی و گسترش قاچاق

مولفه‌های اقتصادی از جمله عوامل موثر بر روابط ایران و کردستان عراق بوده است. به عنوان مثال، استقلال خواهی اقلیم کردستان عراق موجب تنش میان روابط ایران با این اقلیم گردیده و بر تعاملات اقتصادی فی‌مابین نیز آثار منفی به‌جا گذاشته است. در نتیجه ترکیه و اسرائیل با بهره برداری از تنش موجود میان اقلیم کردستان عراق و ایران تلاش نمودند تمام بسترهای فعالیت‌های اقتصادی ایران را در این اقلیم نابود سازند. نمونه این اتفاق در کشورهای سودان و ازبکستان رخ داده و به محض گسترش نفوذ اسرائیل در این دو کشور شرکت‌های ایرانی فعال در حوزه اقتصادی یا اخراج شدند و یا در سودان مورد

حمله نظامی قرار گرفتند. از سوی دیگر سرمایه‌گذارهای ترکیه و اسرائیل در اقلیم کردستان عراق، کردها را از فعالیت اقتصادی ایران بی‌نیاز می‌کند. درحالی‌که در گذشته وضعیت اقتصادی مردم مناطق کردنشین ایران به مراتب بهتر از اقلیم کردستان عراق بوده، اما امروزه این اقلیم برنامه‌ها و اقدامات گسترده‌ای را برای توسعه و آبادانی درپیش گرفته و برتری اقتصادی و رفاه اجتماعی این اقلیم توانسته است، توجه کردهای ایران را به خود جلب کند. اگر توسعه‌نیافتگی مناطق کردنشین ایران در کنار تحولات اقتصادی اقلیم کردستان عراق قرار گیرد، می‌تواند به تشدید مباحث قومی، تقویت احساس تبعیض و شکل‌گیری نگرش حسرت‌گرایانه به اقلیم کردستان عراق به‌عنوان الگو بیانجامد. شهرهایی مانند بانه و مریوان به بارانداز کالاهای وارداتی تبدیل شده و در نقطه مقابل نیز قاچاق گسترده کالا از مرزهای اقلیم کردستان عراق علاوه بر خسارات مالی به اقتصاد مناطق کردنشین ایران به گسترش مفاسد اقتصادی و اجتماعی انجامیده، همچنین رفت‌وآمدهای غیرقانونی، حضور قاچاقچیان دلیل به قاچاق کالا و قاچاق تسلیحات نظامی، مناطق مرزی کردنشین ایران را به نقاط با تهدیدهای امنیتی تبدیل کرده است. روزانه شاهد قاچاق گسترده سوخت از طریق مناطق مرزی کردنشین ایران به خاک عراق و بالعکس و ورود گسترده کالاهای مصرفی، کالاهای ضدفرهنگی توسط باندهای مافیایی از طریق اقلیم کردستان عراق به مناطق کردنشین ایران هستیم. براساس آمار ستاد مبارزه با قاچاق کالا در سال ۱۳۹۳ مبلغ ۷۳۰ میلیارد دلار قاچاق مشروبات الکلی سهم همسایگی مناطق کردنشین ایران با اقلیم کردستان عراق بوده است (حسینی، ۱۴۰۰: ۵۳).

## ۷- نتیجه گیری

با شکل گیری اقلیم کردستان، دامنه تهدیدات علیه جمهوری اسلامی ایران و به خصوص مناطق کردنشین فراهم شد. اگر بخواهیم دامنه تهدیدات اقلیم کردستان عراق علیه ایران را دسته بندی کنیم می توان آن را در چهار دسته مورد بررسی قرار داد. ۱- تهدیدات سیاسی - امنیتی ۲- تهدیدات اقتصادی ۳- تهدیدات نظامی ۴- تهدیدات فرهنگی - اجتماعی. تهدیدات سیاسی - امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران مواردی از قبیل ۱- ملی گرایی کردها تهدیدات ناشی از فدرالیسم ۳- نفوذ آمریکا اسرائیل در کردستان عراق ۴- پذیرش احزاب ضد انقلاب کرد ایرانی توسط اقلیم کردستان عراق ۵- فعالیت های اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل را در برمی گیرد. در بعد تهدیدات فرهنگی و اجتماعی می توان به مواردی از قبیل ۱- تقویت هویت و مطالبات کردی ۲- تهدید یکپارچگی و انسجام قومیتی ۳- شکل گیری ذهنیت مقایسه سازی میان کردهای ایران ۴- تهدیدات رسانه ای و ترویج زبان و فرهنگ کردی را مورد توجه قرار داد. باید اشاره داشت که در تاثیرپذیری کردهای ایران از اقلیم کردستان عراق، مولفه های فرهنگی نقش محوری ایفا می کند. کردهای ایران به دلیل وجود نژاد مشترک، آداب و سنن، ویژگی های زبانی و تاریخی، داشتن میراث مشترک، مستعد تاثیرپذیری از اقلیم کردستان عراق هستند. این عوامل و مولفه ها می تواند زمینه ساز افزایش مطالبات در بین کردهای ایرانی شود که این امر به نوبه ی خود می تواند دربردارنده ی تبعاد امنیتی باشد. در بعد تهدیدات نظامی می توان به مواردی از قبیل ۱- ایجاد پایگاه های شنود در کنار مناطق مرزی ایران ۲- ارسال تجهیزات جنگی به کردستان عراق اشاره داشت. تهدیدات اقتصادی نیز مواردی از قبیل ۱- فعالیت های اقتصادی اسرائیل ۲- شکل گیری احساس تبعیض اقتصادی و گسترش قاچاق را در بر می گیرد.

## ۸- کتابنامه

اخوان کاظمی، مسعود و دیگران. ۱۳۹۶. تحلیل رابطه اسرائیل و کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران. جستارهای سیاسی معاصر. سال هشتم، شماره ۴.

اخوان کاظمی، مسعود و پروانه عزیزی. ۱۳۹۰. کردستان عراق؛ هارتلند ژئوپلیتیکی اسرائیل. فصلنامه راهبرد. سال بیستم، شماره ۶۰.

اسدی، علی اکبر. ۱۳۹۹. تحلیل بازیگر در پژوهشهای راهبردی: مطالعه موردی کردستان عراق. فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، سال نهم، شماره ۳۲.

پیشگاهی فرد، زهرا و بهرام نصرالهی زاده. ۱۳۹۱. پیامدهای تشکیل حکومت ناحیه ای کردستان عراق در کردستان ایران. جغرافیا و برنامه ریزی محیطی. سال ۲۳، شماره ۴۶. خاطرخواه آناقیز، علی و زهره پوستین چی. ۱۴۰۱. اسرائیل؛ استقلال خواهی کردستان عراق و تهدیدات آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهشهای روابط بین الملل دوره دوازده، شماره پیاپی چهل و هفت.

دهش، آرزو و احمد شوهانی. ۱۴۰۲. ملت سازی در اقلیم کردستان عراق در چارچوب واقع گرایی. فصلنامه مطالعات سیاسی بین النهرین. دوره ۲، شماره ۱.

رجبی، محمد. ۱۳۹۹. روابط رژیم صهیونیستی با اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری

اسلامی ایران. فصلنامه روابط خارجی. سال دوازدهم، شماره ۴.

رئوف، عادل. ۱۳۷۷. سیاست ترکیه در قبال شمال عراق پس از جنگ دوم خلیج فارس، فصلنامه خاورمیانه.

ساجدی، امیر و فرامرز امجدیان. ۱۳۸۹. تاثیر فدرالیسم کردستان عراق بر هنجارهای سیاسی و قومیتی کردهای ایران. فصلنامه دانشنامه. شماره ۸۰

صادقی، سیدشمس الدین و دیگران. ۱۳۹۸. تأثیر تحولات سیاسی و ژئوپلیتیک کردستان عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و نقش تأثیرگذار آمریکا و اسرائیل در آن (براساس مکتب کپنهاگ و مجموعه امنیتی منطقه ای). مجله سیاست و روابط بین الملل، دوره ۶، شماره ۳

علویان، مرتضی و محمدسلیمان تبارسوته. ۱۳۹۹. ملاحظات امنیتی ایران در قبال استقلال اقلیم کردستان عراق. دو فصلنامه سیاست و روابط بین الملل. دوره ۴، شماره ۷.

قاسمی حیدری، مصطفی و دیگران. ۱۴۰۰. اثرات استقلال خواهی اقلیم کردستان عراق بر انسجام ملی مناطق کردنشین ایران. فصلنامه مطالعات بین المللی. سال ۱۸، شماره ۱.

قربانی شیخ نشین، ارسلان و اکرم قدیمی. ۱۳۹۱. بررسی راهبردی سیاست خارجی آمریکا در کردستان عراق و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه راهبرد. سال بیست و یکم، شماره ۶۲.

کاتم، ریچارد (۱۳۷۱) ناسیونالیسم در ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: نشر کویر. کوچرا، کریس (۱۳۷۷) جنبش ملی کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: نشر نگاه.

محمدی، مجید. ۱۴۰۱. احزاب ضدانقلاب کُردی ایران؛ پیامدهای دمکراسی انجمنی کردستان عراق بر احزاب ضد انقلاب کُردی ایران. فصلنامه علمی پژوهشهای راهبردی سیاست. دوره ۱۱، شماره ۴۳.

مسعودنیا، حسین. ۱۳۹۶. اقلیم کردستان عراق و جمهوری اسلامی ایران در عصر وابستگی متقابل؛ فرصتها و چالشها. فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی. شماره ۳۳. نصری، قدیر و داود رضایی. ۱۳۹۸. مهمترین تهدیدات فراروی جمهوری اسلامی ایران در اقلیم کردستان عراق. فصلنامه علمی مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی. سال نهم، شماره ۲۷.

هرش، سیمور. ۱۳۸۳. خواب اسرائیل برای کردها، ترجمه نیلوفر قدیری، بولتن موسسه ابرار معاصر تهران.

هفته ها و روزنامه ها:

هفته نامه سیروان ۱۳۶۸۴

روزنامه اطلاعات ۱۳۸۴/۷/۱۲

-داودی، داود، جعفری نژاد، مسعود، آذین، احمد. تحلیل مضمون گفتمان سیاست های اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری *فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران*،

<http://doi.org/10.30510/pscci.2024.472044.1045>

- نادری زرنه، جوهر، جعفری نژاد، مسعود، گودرزی، مهناز. اشتراکات فرهنگی-

سیاسی قوم کرد در ایران و عراق با توجه به جغرافیای فرهنگی منطقه  
ای *فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران*

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.492100.1159>

استناد:

مؤلفه‌های تهدیدساز امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با اقلیم  
کردستان عراق

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.493875.1166>